



هیئت تحریریه ، سجاد آخوندی ،فاطمه مرتضوی فرشته نجفی ، مریم سلطانی



صاحب امتیاز : بسیج دانشجویی
دانشگاه علوم پزشکی جیرفت
مدیر مسئول: سجاد آخوندی
سر دبیر : سجاد آخوندی
ویراستار : مریم سلطانی
صفحه آرایی : امین رضا خرمی

مصاحبه خودمونی با مهندس چرخلو (رئیس دانشکده بهداشت)

سلام..وقت بخیر استاد چرخلو لطفا خودتون رو معرفی کنید ؟ بنده اسماعیل چرخلو هستم متولد تهران سال 1360 اخذ دیپلم سال 1377 رشته قبولی کارشناسی؟ سال قبولی در مقطع کارشناسی ؟ کدام دانشگاه؟مهندسی بهداشت محیط سال 1384 دانشگاه علوم پزشکی سمنان دوران ارشد خودرا در چه دانشگاهی گذرانده اید؟ چطور شد که بهداشت محیط را به عنوان رشته انتخاب کردید؟ ارشد دانشگاه علوم پزشکی کاشان . راستش رو بخواهید در ابتدا با این رشته خیلی آشنا نبودم ولی از وقتی که وارد دانشگاه شدم خیلی علاقه مند شدم آیا از انتخاب این رشته راضی هستید؟ بله خیلی راضی هستم-از بین دروسی که به دانشجویان تدریس میکنید کدام یک را بیشتر دوست دارید؟من همه دروس رو دوست دارم ولی درس آلودگی هوا رو بیشتر-یکی از بهترین خاطراتی که از تدریس در دانشگاه علوم پزشکی جیرفت دارید؟ تمام لحضاتی که با دانشجویان بودم برای من خاطره خوبی بوده-چه شد که تصمیم گرفتید به جیرفت بیایید؟بنده معلمی رو دوست داشتم و از قبل هم به واسطه یکی از دوستان جیرفت رو می شناختم -بزرگترین حسن دانشگاه علوم پزشکی جیرفت از دید شما؟ رفتار و همدلی مناسب مسئولین و همکاران دانشگاه و کوشش آنها برای خدمت به مردم و ارتقای دانشگاه-بزرگترین نقطه ضعف دانشگاه از دید شما؟ خب معمولا دانشگاه های تیپ 3 مشکلات مشابه ای دارند که دانشگاه علوم پزشکی جیرفت از این قاعده مستثنی نیست مانند عدم تخصیص بودجه لازم در راستای ارتقای دانشگاه و عدم وجود چارت مناسب برای قسمتهای مختلف دانشگاه به خصوص دانشکده ها و همچنین کمبود نیرو و فضای فیزیکی در بعضی از واحدهای دانشگاه -اگر به گذشته بازگردید باز هم همین راهی را که تاکنون طی کردید طی میکنید؟چرا؟ بله اما با درایت بیشتر چون بنده خدمت به دانشجویان رو با هیچی عوض نمی کنم-تا به حال از کدام یک از ورودی ها بیشترین رضایت داشته اید؟ خدا رو شکر از همه دانشجویان بهداشت محیط و بهداشت عمومی راضی بودم و واقعا همه اونها رو دوست دارم و براشون آرزوی موفقیت می کنم -سرگرمی شما در اوقات فراغت چیست؟با فرزندم بازی می کنم-با ارزش ترین اتفاقی که تا به حال در زندگیتان افتاده است؟ تولد فرزندم-مهم ترین علت پیشرفت خود در مقطع تحصیلی و محیط کار را چه میدانید؟ توکل به خدا-شغل و میزان تحصیلات همسر محترمتان چیست؟کارشناس کامپیوتر خانه دار-کمی راجب فرزندتون برامون بگید.خیلی شلوغ اما دوست داشتنی -اهدافتان برای آینده ی دانشکده بهداشت چیست؟تاسیس رشته بیولوژی و کنترل ناقلین بیماری و پذیرش دانشجو رشته بهداشت محیط در مقطع ارشد، جذب اعضای هیات علمی، تجهیز آزمایشگاه ها و بهبود وضعیت رفاهی برای دانشجویان و بهسازی در قسمتهای مختلف دانشکده مخصوصا فضای سبز حرف آخر یا یک نصیحت برای دانشجویان:بنده از این فرصت استفاده می کنم وتشکر می کنم از همه دانشجویان عزیز دانشکده بهداشت به خاطر اینکه با صبر و حوصله کمبود های دانشکده رو تحمل کردند امیدوارم که بنده و کادر مدیریتی دانشکده بتوانیم شرایط بهتری را برای تحصیل دانشجویان فراهم کنیم .

فرشته نجفی . مریم سلطانی



اگر آن روز ...

آمریکا به بهانه حملات 11 سپتامبر 2001، هفتم اکتبر همان سال به افغانستان حمله کرد. چند ماه بعد، در 29 ژانویه 2002، سه کشور ایران، عراق و کره شمالی را محور شرارت خواند و کسانی در ایران از حمله احتمالی آمریکا به وحشت افتادند. در 21 می 2002، یعنی 31 اردیبهشت 1381، 127 نماینده لیبرال مجلس ششم، خطاب به رهبر انقلاب نامه «جام زهر» معروف را نوشته و خواهان تسلیم در برابر آمریکا شدند: «اگر جام زهری باید نوشید، قبل از آنکه کیان نظام و مهمتر از آن، استقلال و تمامیت ارضی کشور در مخاطره قرار گیرد، باید نوشیده شود». دولت آقای سید محمد خاتمی نیز به رئیس جمهور وقت آمریکا نامه ای نوشت و اعلام کرد در همه مسائل از جمله موشک ها، خلع سلاح حزب الله، مسائل منطقه و... آماده مذاکره است. پاسخ رسمی اما به نامه وزارت خارجه اصلاحات داده نشد. پیامی دادند با این مضمون که «چطور گستاخی کرده و چنین نامه ای به آمریکا نوشته اید .

جنگ اما در ذهن لیبرال های ایرانی، امری قطعی بود و می خواستند از ترس هجوم، به آغوش مهاجم پناه ببرند. آمریکا از 24 جولای تا 15 آگوست 2002، مانوری تاریخی با عنوان «چالش هزاره 2002» با هدف تمرین حمله به ایران طراحی کرد. بر اساس اسنادی که منتشر شده است، این مانور 250 میلیون دلار هزینه داشت، و از آن به عنوان آغازگر تحول در ارتش آمریکا یاد می شد. ژنرال «پل ون رایپر»، به فرماندهی نیروهای ایرانی در مانور منصوب شد. رایپر وقتی اولتیماتومی برای تسلیم ظرف 24 ساعت از نیروهای آمریکایی دریافت کرد، استراتژی جنگ نامتقارن را به کار گرفت. از قایق های کوچک برای شناسایی موقعیت ناوگان آمریکا استفاده کرد و در حمله ای پیش دستانه، انبوهی از موشکهای کروزر را به سمت ناوگان آمریکا شلیک کرد؛ به گونه ای که سنسورهای الکترونیک این ناوگان توان رهگیری همه موشک ها را نداشت. 16 کشتی جنگی آمریکا غرق شد. طبق برآورد آمریکایی ها، در یک درگیری واقعی آمریکا حداقل 20 هزار نیرو تلفات می داد. مانور متوقف شد و به رایپر گفته شد که باید طبق قواعدی که تعیین می شود، بجنگد! اما رایپر عاقلانه می دانست که ایران طبق قواعد آمریکا نخواهد جنگید. از فرماندهی نیروهای ایرانی استعفا داد. این افتضاح تاریخی، خیال حمله به ایران را از ذهن جنگ طلبی چون بوش، بیرون کرد .

امروز حدود 17 سال از آن مانور می گذرد. آمریکا موقعیت بین المللی آن روزش را ندارد، اقتصادش ویران شده است و بحران های سیاسی-اجتماعی انبوهی دامن مقامات واشنگتن را گرفته است. در این سو ایران، در منطقه قدرتمندتر شده، متحدان بین المللی فراوان یافته، و از نظر قدرت نظامی با سال 2002 قابل مقایسه نیست. قیمت پهباد فوق پیشرفته ای که سامانه سوم خرداد ساقطش کرد، تقریبا با هزینه مانور چالش هزاره برابری می کند اگر آن روز، رهبر حکیم انقلاب به توصیه نمایندگان لیبرال مجلس ششم، جام زهر می نوشید و ایران موشک و قدرت منطقه ای را طی مذاکره ای واگذار می کرد، امروز ما به سرنوشت عراق و افغانستان و لیبی دچار شده بودیم. ترامپ نامی بهانه ای واهی می تراشید، به آب و خاک ایران تجاوز می کرد و ما باید نظاره گر تحقیر ملتمان توسط قدرت نظامی آمریکا می بودیم.

تحلیل گر ارشد بی بی سی، نکته جالبی نوشته است. او می گوید، همان مولفه های قدرتی ترامپ را از حمله به ایران بازداشت که ترامپ می خواهد ایران آنها را کنار بگذارد: قدرت موشکی و نفوذ منطقه ای! یعنی امروز، اینکه آمریکا نمی تواند به ایران حمله کند، نتیجه ایستادگی رهبر حکیم انقلاب اسلامی در برابر جریان تسلیم در 17 سال پیش است .

مراقب باشیم که جریان جام زهر، دوباره می خواهد از ایران پرچم تسلیم و مذاکره افراشته شود. اگر بایستیم، شیرینی قدرت و عظمت در گام دوم ایستادگی را در فاصله ای بسیار کمتر از 17 سال خواهیم چشید. انقلاب اسلامی ماند و شوروی فروپاشید. انقلاب اسلامی خواهد ماند و آمریکا هم فروخواهد پاشید .

سیدمرتضایی

معرفی کتاب

یادت با سر



در قسمت معرفی کتاب، این بار به سراغ یکی از رمان های بسیار جذاب در رابطه با زندگی شهید مدافع حرم به نام «حمید سیاهکالی مرادی» رفتیم کتابی که رهبر معظم انقلاب فرمودند: باید داستان زندگی قهرمانان آن در تاریخ ثبت شود.

شهید حمید سیاهکالی مرادی از پاسداران تیپ82 سپاه حضرت صاحب الامر(عج) در سال 1368 در قزوین به دنیا آمد و تا پایان دوره کارشناسی در رشته حسابداری درس خواند.

شهید حمید سیاهکالی مرادی را می توان شهید پاییزی مدافعان حرم معرفی کرد چرا که در پاییز سال 1389 عازم سفر کربلا شد؛ در پاییز سال 91 عقد؛ در پاییز سال 92 ازدواج کرد و سرانجام در چهارم آذرماه سال 1394 در سن 26 سالگی در حین انجام مأموریت مستشاری در سوریه به شهادت رسید.

مزار این شهید در گلزار شهدای قزوین قرار دارد.

سبک قصه به گونه ای نوشته شده است که نه تنها ملال آور نیست، بلکه خواننده خود را در درون قصه می بیند و انگار او نیز مثل حمید و فرزانه از نزدیک این ماجراها را مشاهده میکند.

برشی از کتاب

سر سفره که نشست گفت: (آخرین صبحونه رو با من می خوری؟)

با بغض گفتم: (چرا این طور می گی؟ مگه اولین باره میری ماموریت؟

گفت: (کاش می شد صا تو ضبط می کردم با خودم می بردم که دم کمتر

تنگت بشه.)

گفتم: (قرار گذاشتیم هرجا که تونستی زنگ بزنی، من هر روز منتظر تماس

می مونم منو بی خبر نذار.)

با هر جا کدندی که بود برایش قرآن گرفتم تا راهیش کنم، لحظه ی آخر به

حمید گفتم: (حمید تو رو به همون حضرت زینب(س) هرکجا تونستی تماس

بگیر.)

گفت: (جور باشه حتما بهت زنگ می زنم، فقط یه چیزی، از سوریه که تماس

گرفتم چطوری بگم دوست دارم؟ اونجا بقیه هم کنارم هستن، اگه صدای

منو بشنون از خجالت آب می شم.)

به حمید گفتم: (پشت گوشی به جای دوست دارم بگو یادت باشه! من

منظورت رو می فهمم.)

از پیشنهادم خوشش آمده بود، پله ها را که پایین می رفت برایم دست تکان

می داد و با همان صدای دلنشینش چند باری بلندبلند گفت: (یادت باشه!

یادت باشه.)

لبخندی زدم و گفتم: (یادم هست! یادم هست)

ناشر: انتشارات شهید کاظمی

نویسنده: محمد رسول ملاحسنی

راوی: همسر شهید

توضیح کوتاه: روایت زندگی شهید مدافع حرم حمید سیاهکالی مرادی

تعداد صفحات: 362 صفحه

ناشر مرتضوی



چهل ساله

حاکمیت کشور ایران،پس از عزل احمدشاه و فروپاشی سلسله ی قاجار،در آبان ماه سال ۱۳۰۴ به خاندان پهلوی که مجموعاً" ۵۳ سال بر کشور ایران حکومت کردند منتقل گردید. رضا خان،اولین شاه پهلوی پس از حدود ۱۶ سال حکومت بر ملت ایران(واتفاقات بسیاری که در این دوران بر کشور تحمیل گردید و موضوع مقاله ی حاضر بر این بحث متمرکز نمی باشد) در شهریور ۱۳۲۰، پس از اشغال ایران توسط متفقین،استعفا ی خود(بخوانید عزل)را به اطلاع نمایندگان مجلس رساند و به نفع پسر بزرگش کناره گیری کرده و توسط انگلیسی ها و علی رغم میل باطنی به جزیره ی موریس ،واقع در اقیانوس هند منتقل(تبعید) گردید. محمدرضا پهلوی، پس از تبعید پدرش توسط انگلیسی ها،در ۲۵ شهریور ۱۳۲۰ به سلطنت رسید. محمدرضاشاه از همان آغاز حکومت سعی در جلب حمایت قدرت های بزرگ داشت و نتیجه این امر چیزی غیر از این نبود که درطول حکومت او شرایط به نحوی رقم بخورد که در بیشتر اوقات که باید بر سر مسائل مملکت ،تصمیم بگیرد و در شرایط سیاسی مستقل عمل نماید،قدرتی برای تصمیم گیری نداشت و همان اندک تصمیماتی که به ظاهر،خودش برای حل مسائل و مشکلات کشور می گرفت، با دخالت ابرقدرت هایی بود که هر کدام از آنها چشم طمع به گوشه ای از کشور داشته و هدفی جز رسیدن به خواسته های شوم استعماری، غارت منابع کشور ازجمله نفت و جلوگیری از ”محدود نمآندن اسلام به مسجد“ و ”تشکیل شدن حکومت و جامعه ای اسلامی“ نداشتند.از گونه دخالت هایی که این دولت ها در تصمیمات سیاسی ایران داشتند؛ بی ارزش جلوه دادن حکومت پهلوی ، به عنوان حاکمیت یک کشور، برگزاری اجلاسی برای تقسیم جهان و ایران در آذر ۱۳۲۲ با حضور چرچیل(انگلیس) ، روزولت(آمریکا) واستالین(شوروی) در تهران بود که نه تنها بدون حتی اطلاع وزارت خارجه ی ایران و حضور شاه برگزار شد،بلکه بیشتر اعضای این اجلاس با بی اعتنایی در وقت ملاقات دادن به شاه، باعث تحقیر او نیز شدند.از دیگر نمونه های ضعف سیاسی حکومت پهلوی می توان به ”جداسازی بحرین،جزیره نفت خیز و استان چهاردهم ایران با دخالت انگلیس و آمریکا“،”پذیرش کاهش سهم ایران از ۵۰ درصد آب رود هیرمند به کمتر از ۵.۱۴ درصد در جلسه ای با مشارکت آمریکایی ها،که منجر به خشک شدن دریاچه ی هامون و خشک سالی و بی آبی حال حاضر در منطقه سیستان گردیده است“، ”بخشیدن یک میلیون پوند از پول کشور جهت هزینه تامین آب شرب لندن،در حالی که فقط ۱% مردم ایران دارای آب آشامیدنی و ۴% آنها برق داشتند(خاطرات اسدالله علم)“، ”جدایی رشته کوه های آرارات و بخشیدن آنها به ترکیه“، ”بخشیدن کل ارون رود به عراق و اشغال ایران توسط متفقین به مدت سه روز“ اشاره کرد. حکومت پهلوی،وابستگی ایران را از لحاظ سیاسی ، اقتصادی و… به بالاترین حد ممکن رسانده بود. سیاست های حکومت در قبال مردم وعلی الخصوص مخالفان فکری وعقیده ای با آن،اختناق حاکم برجامعه را به حدی رسانده بود که برای مثال در دوران رضاشاه ناموس مردم از ترس سیاست های بی خردانه ای مانند کشف حجاب،جرأت بیرون رفتن از خانه را نداشت و با شکنجه های ساواک در دوران حکومت محمدرضا شاه(که درآوردن چشم نوجوان هفده ساله و وارد کردن انواع شکنجه های ممکن بر او و درنهایت زنده به گورکردن آن فقط یک نمونه کوچک از آن است) از مصادیق بارز فشار بر مردم و نهایتا گسترش روزافزون نارضایتی آنها از حکومت بود.امتیازات و قراردادهای ننگینی مانند واگذاری اکتشاف ، استخراج و فروش نفت و یا تصویب قانون ذلت بار مصونیت قضایی نظامیان آمریکایی در ایران(کاپیتولاسیون)که آنها را برای دست زدن به هر جنایتی آزاد می گذاشت، نیز از دیگر نمونه های بی کفایتی و وادادگی رژیم حاکم بود مبارزه با رژیم طاغوتی توسط مردم به رهبری علما و روحانیت از سال ها قبل از روی کارآمدن محمدرضا پهلوی ، همچون نهالی بود که در دهه های چهل و پنجاه، توسط رهنمودهای بزرگانی همچون امام خمینی(ره) و همراهی مردم،به درختی تنومند،تبدیل شده بود . تظاهرات گسترده،خون های ریخته شده توسط رژیم دست نشاندۀ و یاری خداوند(وهمچنین مجموعه اتفاقات و تحولات گسترده ای که ذکرآنها در این مقال نمی گنجد) در نهایت باعث فرار شاه از کشور به سمت مصر گردید محمدرضا پهلوی در تاریخ ۲۶ دی ۱۳۵۷ به همراه همسرش فرح،درحالی از کشور فرار کرد که به گزارش فایننشال تایمز،بزرگترین دزدی تاریخ ایران و جهان ،به مبلغ ۳۵ میلیارد دلار را رقم زد.که البته این مبلغ غیر از ۳۸۴ چمدان طلا ،جواهرات وعتیقه ای بود که توسط فرح از کشور خارج گردید. درنهایت محمدرضا پهلوی در پنجم مرداد ۵۹ در حالی در قاهره ی مصر از دنیا رفت که اربابان آمریکایی اش حتی نسبت به پذیرش او بی اعتنا بوده و به گفته ی فرح،او را به طرز حقیرانه ای به بیمارستان روانی منتقل کردند پس از فرار شاه و در تاریخ ۱۲ بهمن ۱۳۵۷،امام خمینی،رهبرانقلاب اسلامی ایران پس از سالها تبعید به کشور بازگشتند و در نهایت انقلاب مردم ایران در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ به پیروزی رسید. انقلابی که از همان آغاز با حقد و غضب ابرقدرت ها،امپریالیسم و مزدوران آنها همراه شد. ترور شخصیت های بزرگی چون رجایی،باهتر،مطهری و به شهادت رساندن قریب به ۱۷۰۰۰ نفر مرد،زن و کودک ایرانی به بدترین شکل ممکن از طرفی و شروع جنگ تحمیلی با پشتیبانی بیش از بیست کشور علیه ایران و انواع تحریم های اقتصادی از طرف دیگر،شروع کار انقلاب اسلامی ایران را با دشواری های قابل توجهی همراه کرد .

مجازیسـم

شما هم از آن هایی هستید که معتقدند انسان دارد عمرش را در اینترنت هدر می دهد؟ شما هم از آنهایی هستید که معتقدند آنهایی که عضو هیچ شبکه اجتماعی نیستند، دارند تند تند کتب خطی و به روزترین مقاله های علمی و جدیدترین رمان ها را می خوانند و تند تند پله های ترقی را بالا می روند و تند تند در شغلشان ترفیع می گیرند و تند تند ورزش می کنند و تند تند "دیتاکس واتر" سر می کشند و تند تند دور دریاچه ای فرضی می دوند و نقشه ی دورهمی های خانوادگی و فامیلی می کشند و توی مهمانی هایشان شعر سعدی می خوانند و باقلوای خانگی می خورند و تند تند گل می گویند و گل می شنوند و هیچکس هم تند تند از روی آخرین جوک های تلگرامی اش روخوانی نمی کند؟

خب، من این طور فکر نمی کنم. اینترنت و این دنیای اصطلاحاً مجازی، جذابترین جایی ست که بشر در طول حیاتش توانسته بسازد. حالا این که هرکس چه استفاده ای از آن می کند به خودش مربوط است. عده ای عمرشان را هدر می دهند (همان کاری که در دنیای اصطلاحاً واقعی می کنند) و عده ای گنجینه را پیدا می کنند و کشف می کنند و می آموزند و ایده می گیرند و چشم هایشان بازتر از قبل می شود و از دیوارها و مرزها رد می شوند و به جایی می روند که هرگز نبوده اند.

من فرق چندانی بین زندگی در دنیای واقعی و مجازی نمی بینم. ما همان آدم ها هستیم. اگر در دنیای واقعی هی در حال امتحان کردن رژیم های مختلف لاغری ایم و از این و آن سراغ «چی بخورم لاغر شم؟» را می گیریم، در دنیای مجازی پیچ «لاغری در ۱۰ روز" را دنبال می کنیم. اگر اهل مطالعه ایم، ناشران محبوبان را دنبال و کتاب های جدیدی پیدا می کنیم. اگر کارمان در شهر، دید زدن این و آن و نظر دادن راجع به لباس و هیکل و قیافه دیگران است، در شبکه های اجتماعی توی صفحه "دختران و پسران فلان" می چرخیم و زیر عکس ها کامنت «واه واه چه زشت و چه بد تیپ» و «منم اگه انقد آرایش کنم به این خوشگلی می شم» و «این که همه جاش عملیه» می گذاریم. اگر در دنیای واقعی اهل ورزش کردنیـم، در دنیای مجازی ویدئوهای "تمرین در خانه بدون وسایل بدنسازی" را تماشا می کنیم. اگر ذاتاً اهل خاله زنک بازی ایم، در اینترنت هم دنبال مکانی با چنین هدفی می گردیم.

فحاشانِ دنیای مجازی، خردمندانِ منزهِ دنیای واقعی نیستند. نقاشان و حکاکان روی آثار باستانی، دنبال کننده ی صفحه ی متروپولیتن نیستند. ما در هر دو دنیا دنبال علایق مان می رویم؛ دنبال چیزی که واقعاً هستیم. حالا بگیریم با کمی ظرافت و مخفی کاری بیشتر

به گمانم این که فکر کنیم اگر شبکه های اجتماعی و کلاً اینترنت وجود نداشت، ما داشتیم به بهترین و مفیدترین شکل ممکن زندگی می کردیم و شاد و خوشیخت و موفق بودیم، بزرگترین فریب خویشتن است. اینترنت و مشتقاتش روی پله ترقی زندگی ما ننشسته اند. اگر این طور فکر می کنید، شکل استفاده تان از این گنجینه را عوض کنید.

آتشی کبری

بانگ از نام رفیق کریبان



تجاوز به حریم ایران

==

موشک

گاهنامه

فرهنگی

اجتماعی

سیاسی

شماره سوم



منابع

کلاه

اما همه ی این دشواری های ایجاد شده توسط قدرت هایی که دست شان از کشور کوتاه شده بود،ترورها،حملات موشکی به شهرها،جنگ تحمیلی که منجر به شهادت بیش از ۲۳۰ هزار نفر ازهموطنان مان گردید و مشکلات عدیده ی دیگری که شاید هر انقلاب دیگری را همان ابتدای کار از پا در می آورد،نتوانست جلوی حرکت رو به جلو و سریع ملت ایران را بگیرد

امروز اما،انقلاب اسلامی چهل ساله شده است. دیگر تهدیدات، وعده های فروپاشی کشور و گزینه های واهی روی میز آنها که برای شکست این ملت طراحی شده،نه تنها اهمیتی برای مردم ندارد، بلکه شاید بعد از خواندن چنین اخباری فقط با لبخندی از آن بگذرند.

کشوری که در سال ۵۵ ،شاید بیش از نیمی از مردم آن بی سواد بودند، امروز رتبه شانزدهم علمی جهان را دارد و با رشد علمی ۱۱برابر متوسط جهانی،به سرعت درحال حرکت است.درصد سهم ایران در تولید مقالات علمی دنیا نسبت به قبل از انقلاب ۶۵۶ برابر شده است. از لحاظ ثبت اختراع، درحالی رتبه ایران در سال ۲۰۱۶ ،هفتم جهان شد، که سال ۱۹۷۰ این رتبه،۳۸ ثبت شده است.کسب رتبه های ۱۱ جهان در علوم هوافضا، ۱۳ جهان در علوم ریاضی و فیزیک در سال ۲۰۱۷ گوشه ای از پیشرفت های ایران اسلامی پس از انقلاب می باشد.

در حوزه ی اقتصادی ،صادرات غیرنفتی، با رشد صد برابری، از ۵۴۰ میلیون دلار در سال ۵۷،به ۵۵ میلیارد دلار در سال ۱۳۹۶ رسیده است.قدرت خرید نسبی مردم ایران با رشد ۵ برابری نسبت به قبل ازانقلاب به رتبه هجدهم جهانی رسیده است.سرانه درآمد مردم ایران با وجود بیش از دوبرابر شدن جمعیت،چهار برابر شده است.

در زمینه ی دفاعی ،جمهوری اسلامی ایران با ساخت دقیق، پیچیده و پیشرفته ترین تجهیزات،چه در زمینه ی سامانه های راداری و پدافندی و چه در تولید دیگرانواع سلاح های پیشرفته ی نظامی،به سیزدهمین قدرت برتر نظامی دنیا تبدیل شده است.کشوری که روزی اوج صنعت نظامی آن ساخت چند نوع مهمات و نوعی سلاح مونتاژ شده بود، امروز به انواع سلاح های پیشرفته ی نظامی ساخت داخل مجهز و به چهارمین قدرت موشکی جهان تبدیل شده است.

در حوزه ی بهداشت ودرمان ،می توان به ساخت هزاران مرکز بهداشتی درمانی و تاسیس بیش از ۶۰ دانشکده و دانشگاه علوم پزشکی در کشور اشاره کرد.کشوری که زمانی برای درمان بیمارانـش از پزشکان هندی و پاکستانی استفاده می کرد،اکنون با داشتن بیش از ۴۰۰۰۰ پزشک متخصص و فوق تخصص،علم پزشکی اش را به رخ جهان کشیده است.

بی شک بسیاری از این پیشرفت ها مرهون و مدیون زنان غیوری است که با پشتکار و همتی بی مثال ،در کنار حفظ بنیان خانواده،در عرصه های علمی،هنری،ورزشی و یا حتی سیاسی نقش آفرینی می کنند. در عرصه های پزشکی،بانوان ایرانی نه تنها در کشور، بلکه استعداد زن ایران اسلامی را به رخ جهانیان کشیده اند.زنانی که روزی فرصت و مجالی برای بروز استعدادهای خود نداشتند و پاسخ شاه کشورشان به سوال مجری زن خارجی در مورد این که "آیا عقل زنان با مردان برابر است؟" این بود که "معمولا عقل زنان کمتر است"،امروز اما در بسیاری از عرصه ها،سرآمد زنان دنیا هستند.

در طول این چهار دهه ای که از انقلاب می گذرد،دشمنان ایران که هنوز آتش کینه چهل ساله شان شعله ور است، بیکار ننشسته و کوچک ترین فرصت ها را غنیمت شمرده و برای ضربه زدن به این ملت تمام توان خود را به کار بسته اند.اما با همه ی این موارد، حرکت جمهوری اسلامی ایران به سمت جلو و تبدیل شدن به یک ابرقدرت جهانی متوقف نشده و روز به روز بر قدرت و سرعت آن افزوده می شود.

البته در چند سال اخیر که اوج مقابله ایران با استکبار جهانی است و کشور در مقابل دشمنان به سرکردگی آمریکا، تعدادی قدرت های غربی و برخی کشورهای جیره خورشان ایستاده است،مشکلاتی در زمینه اقتصادی و معیشتی متوجه مردم شریف ایران گردیده است.مردمی که برای برپایی این نظام از جان و مال خود مایه گذاشته و جلوی همه ی سختی ها و فشارهای داخلی و خارجی ایستاده و پا پس نکشیده و در آینده هم نخواهند کشید،لایق این هستند که مسئولان و کارگزارانی که برای امور کشور و فراهم آمدن رفاه زندگی خود انتخاب می کنند،تمام توان خود را برای رفع نیازها و آسایش جامعه به کار گرفته و به جای نگاه به بیرون از کشور برای برطرف کردن بسیاری از مشکلات، ظرفیت ها،استعداها و نیروی کار جوان داخل را ببینند و به آن اعتماد کنند.

امروز اما ملت ایران،به کوری چشم دشمنان ،چهل سالگی انقلاب اسلامی خود را جشن گرفتند و به توفیق الهی بدخواهان جمهوری اسلامی،حسرت و آرزوی دیرینه خود برای متوقف کردن این ملت را با خود به گور خواهند برد.

مجازآخوندی



• صفحه آرایی : امین رضا خرمی

• ویراستار : مریم سلطانی

• سردبیر : سجاد آخوندی

گاهنامه

فرهنگی

اجتماعی

سیاسی

شماره سوم



• مدیر مسئول : سجاد آخوندی

• صاحب امتیاز: بسیج دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی جیرفت